

بیادداشت

با همه امکانات علیه سیاستهای فاشیستی سرکوب و دفاع از جنبش

صادق کار



بدنبال دستور اژه‌ای رئیس دستگاه قضایی خامنه‌ای برای مجازات شدید بازداشت شدگان جنبش جاری دادستان کل رژیم کمپته‌ای متشکل از نظامیان و امنیتی‌ها و اطلاعات چی‌های حکومت را مامور رسیدگی به پرونده هزاران نفر از معترضین بازداشت شده در دو هفته اخیر نموده است. یعنی تعیین مجازات برای هزاران معترض بازداشت شده را به کسانی محول کرده که در خیابانها مردم را به گلوله می‌بندند و به قتل می‌رسانند.

در دستور منتظری دادستان کل رژیم نامشروع و مستبد خطاب به بیدادگاه گفته شده

مقتضی است ضمن تشکیل کمیته کارشناسی متشکل از نمایندگان مطلع و صاحب اختیار اداره اطلاعات، "سازمان اطلاعات سپاه پاسداران و اطلاعات فرماندهی انتظامی و حسب مورد حراست‌های ذریبط و اخذ نظر آن کمیته، در کلیه پرونده‌ها بر اساس موازین شرعی و قانونی و با سرعت و دقت و قاطعیت رسیدگی‌ها و پیگیری‌های لازم انجام شودنهایی که در بیدادگاه‌های رژیم ولایی محکوم شده‌اند قبل از اینکه برای محاکمه فرمایشی احضار شوند از زبان بازجو‌هایشان احکام خود را شنیده‌اند.

منتها اینکه دادستان کل رسماً و بطور علنی تعیین مجازات آزادیخواهان را به دست کمیته‌های مرکب از عوامل دستگاه سرکوب سپرده است هم مسئله جدیدی است و هم نشانه تسلط کامل نیروهای امنیتی بر دستگاه قضایی و میلیتاریزه شدن این نهاد حکومتی است.

اعلام رسمی اسامی کمیته نامبرده در واقع بخشی از سیاست رعب افکنی به مثابه یکی از ابزارهای سرکوب هم هست. دستگاه قضایی می‌خواهد با اعلام رسمی ترکیب کمیته مردم را از شرکت در اعتراضات بازدارد.

ادبیات بکار برده شده در سخنان ۴ مهر اژه‌ای و منتظری نیز همین هدف ترساندن مردم را مد نظر دارد.



آنچه که رژیم نمی خواهد به رغم شکست و انزوای رژیم هنوز نمی خواهد بپذیرد شکست سیاست سرکوب و برنامه های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی رژیم و به بنبست رسیدن آنهاست

از زمان جنبش ۸۸ تا کنون رژیم تلاش نموده با سرکوب جنبش ها و اعتراضات پیاپی مردم به این جنبشها و اعتراضات خاتمه دهد اما ناکام مانده است و تنها به نفرت مردم از رژیم و آب رفتن پرشتاب پایگاه اجتماعی ده پانزده درصدی رژیم منجر شده است

از اعتراضات و واکنشهای ته مانده هواداران رژیم در چند هفته اخیر پیداست که ریزش در میان آنان با شتاب روز افزونی ادامه دارد و بسیاری از آنان دارند به اشکال مختلف از رژیم و از اعمال جنایتکارانه آن تبری می جویند. شهرهای همچون، قم و مشهد که مرکز نفوذ روحانیون حکومتی بود به مرکز مخالفت با حکومت تبدیل شده اند و به سرعت در حال سکولاریزه شدن هستند

با قطعیت می توان گفت که هیچگاه در طول ۴۳ سال گذشته رژیم به اندازه امروز منزوی و در هراس از مردم نبوده است و هیچگاه دامنه اعتراضات ضد حکومتی به گستردگی امروز و آمادگی و میل مردم برای پائین کشیدن رژیم از قدرت به اندازه امروز نبوده است. علت تهدیدات شدید اژه های و منتظری بهمین خاطر است.

مردم ایران در ۴۳ سال گذشته کم از این تهدیدات نشده اند، کم کشته نداده اند و کم به زندان نیفتاده اند، با این همه حاضر به سکوت و تمکین نشده اند. الان دیگر حربه تهدید و سرکوب کمتر کسی را وادار به سکوت می کند. جوانانی که خیابانهای شهرها را به تسخیر خود درآورده و این همه هراس در دل حاکمان ستمگر ایجاد کرده اند به آسانی دفعات پیشین میدان مبارزه را بدون دست آورد با تهدید و سرکوب خالی نخواهند کرد. کما اینکه بعد از سرکوب خونین آبان ۹۸ از مبارزه دست نکشیدند! رژیمی که راه حل برای پاسخ دادن به مطالبات معیشتی و آزادیخواهانه مردم نداشته باشد و در مرداب فساد در حال دست و پا زدن است، با سرکوب های فاشیستی و تبلیغات گویلیزی که همه روزه از طرف کارگزاران رژیم اعمال می شود هم نمی تواند بقای خود را تامین کند. خواست مردم فراتر از جمع کردن گشت ارشاد و حذف نظارت استصوابی... مردم خواهان کنار گذاشتن حکومت دینی و استقرار آزادیهای اساسی، شغل، امنیت اجتماعی، رفاه و آسایش و برداشتن همه تبعیضات و بی عدالتی ها هستند. جوانان با وجود این رژیم آینده ای برای خود نمی بینند. بهمین خاطر اکثریت شان ناگزیر به مبارزه برای ساختن جامعه و سیستمی دارند که بتواند برای شان، آزادی، کار، رفاه و مسکن ایجاد کند. اکثر جوانان از همه اینها محروم اند و حکومت قادر و مایل به تامین اینها نشده و نیست

خوشبختانه جنبش آزادیخواهانه مردم هم در داخل و هم در سطح جهان از حمایت بی سابقه ای برخوردار است و حمایتها روز به روز بیشتر می شود. گستردگی حمایتها مانع عمده ای بر سر راه سرکوبگران قرار می دهد که رژیم و دستگاه سرکوب اش نمی تواند آن را نادیده بگیرد و هر کاری خواست با زندانیان انجام دهد. از این امکانات باید برای مقابله با تهدیدات قوه قضایی رژیم بهره لازم را گرفت و به این جنایتکاران اجازه نداد تهدیدات فاشیستی خود را عملی نمایند

همه با هم علیه سرکوب جنبش سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

از اعتصاب معلمان و کارگران و دانشجویان و دانش آموزان حمایت کنیم!

در هر کجا که هستیم از همه امکانات برای بسیج افکار عمومی علیه کشتار و سرکوب معترضان بهره بگیریم!

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش دوازدهم
"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهایی"
هیو استورجس



یک کارگاه خیاطی، از پروژه های "نان اور خانواده" آرژانتین

اگر استدلال فوق را بپذیریم، نتایجی که در واقع می توان از نظریه پولی مدرن گرفت، با ادعاهای بزرگ طرفداران آن مطابقت ندارند. در یک اقتصاد با اشتغال کامل، مقدار منابع درآمدی که می توان به اتکای تفاوت ارزش پول و هزینه تولید آن حاصل کرد بسیار ناچیز خواهد بود و این مالیاتها و فروش اوراق قرضه خواهند بود که جنان که مرسوم است، تقریباً تمام هزینه های دولت را تأمین می کنند. البته این نکته در صورتی که بخش قابل توجهی از ظرفیت اقتصادی به کار گرفته نشده باشد، صادق نیست، اما هدف سیاست باید به حداقل رساندن چنین دوره هایی باشد.

اثرات "تضمین اشتغال" بر اقتصاد کلان

پول مدرن و نارضایتی ها از آن - ادامه

هرچند تا حدودی پیش پافانده، اما به هر حال این نکته درست است، که توانایی دولت برای توزیع و نشر پول محدود به توانایی آن در گرفتن پول از بخش خصوصی نیست. سؤال اما این است که آیا امکانات دیگر،



که توسط نظریات مسلط (جریان اصلی) در اقتصاد انکار می شوند، برای پیشبرد سیاستهای دولت مجاز اند یا نه؟ به طور خلاصه، برای این که نتایج نظریه پولی مدرن، مثلاً ادعای آن دایر بر بی اهمیت بودن هزینه "تضمین اشتغال" صرف نظر از میزان آن، با آموزه های ارتدوکس متفاوت باشد، باید نشان دهد که می توان منابع قابل توجهی را تماماً بر پایه تفاوت ارزش پول و هزینه های چاپ و توزیع پول به دست آورد. بنابراین داشتن نظر روشنی در باره تفاوت دخل و خرج پول و پیامدهای این تفاوت ضرور است.

به فرض این که دولت تمام هزینه هایش را از طریق چاپ پول (یعنی نه از طریق مالیات یا استقراض) تأمین می کند، در این صورت پول موجود در دست بخش خصوصی فقط می تواند خرج یا پس انداز شود (از جمله توسط مؤسسات مالی به عنوان ذخایر مورد نیاز)، زیرا نمی تواند به صورت مالیات یا با خرید اوراق قرضه به دولت بازگردانده شود. برای بخش خصوصی منطقی نیست که بخش بزرگی از درآمد خود را به صورت پول نگهداری کند، زیرا نگهداری پول نقد بیش از اندازه بالنسبه کمی، به خودی خود نامطلوب است. تحقیق و همکارانش در استرالیا نشان می دهد که خانواده های استرالیایی تنها ۷ درصد (Freestone) فری استون از درآمد در دسترس خود را به صورت سپرده پس انداز می کنند. بخش خصوصی همین که میزان پول مورد نظرش را پس انداز کرد، به افزودن به مصرف مازاد درآمد در دسترس خود رو می آورد. به علاوه مؤسسات مالی برای رهایی از ذخایر اضافی، نرخ بهره را کاهش می دهند. هدف سیاست دولت در یک اقتصاد کرخت همین خواهد بود، اما زمانی که اقتصاد به موقعیت اشتغال کامل برسد، تزریق پول بیش از مقدار لازم برای نیل به میزان مطلوب پس اندازهای خصوصی، طبق تصریح خود نظریه پولی مدرن، تورم را خواهد بود. افزایش تورم بخش خصوصی را به نگهداری پول نقد بی میل تر می کند و آن را به مصرف بیشتر سوق می دهد؛ امری که به نوبه خود به تورم بالاتری می انجامد - به ویژه اگر دولت متعهد به تأمین مالی هزینه های بعدی از طریق چاپ پول باشد. برای حفظ نرخ بهره در راستای سیاستهای دولت و جلوگیری از چرخه تورمی، پول مازاد بر پس انداز مطلوب بخش خصوصی باید از طریق مالیات و فروش اوراق قرضه از بازار خارج نشان می دهند که این نقدینگی مازاد، حتی با (Lavoie) و لاووی (Aspromourgos) شود. اسپرومورگوس فرضهای بسیار محتاطانه، نسبت بسیار بزرگی، اگر نگوییم تمام، پول تازه چاپ شده خواهد بود.

نتیجه این که فروش اوراق قرضه و مالیاتها برای تأمین هزینه های دولت حیاتی اند، زیرا کسری بودجه پایدار در اقتصاد با اشتغال کامل به شدت تورم را خواهد بود. میتچل و موسلر در پاسخ به اسپرومورگوس این را یک "مسئله معناشناختی" که موجب گمراهی است، می نامند... به نظر می رسد که تأکید نظریه پولی مدرن بر مکانیزم تأمین مالی دولت با پیامدهای آن تناسبی نداشته باشد. مثلاً میتچل ادعا می کند که محدودیت بودجه دولت موجب این اعتقاد انحرافی اقتصاددانان می شود که گویا این محدودیت یک محدودیت پیشینی است و نه یک نتیجه پسینی. البته میتچل این نظر را بدون هیچ شاهدهی برای آن به میان می کشد، بی آن که هیچ مخالفت عملی ای هم با دیدگاه ارتدوکس، دایر بر این که "کسری بودجه [در یک اقتصاد با اشتغال کامل] اگر با چاپ پول تأمین شود، تورم را است" ابراز کند. میتچل و موسلر توافق دارند که "بخش خصوصی در نبود اوراق قرضه دولتی تنها می تواند با افزایش سطح مصرف خود، موجودیهای نقدی ناخواسته را دفع کند"، اما اضافه می کنند: "این که چنین وضعی باعث ایجاد و افزایش تورم شود، حتمی نیست و به توانایی اقتصاد بستگی دارد. برای پاسخگویی به تقاضای کل فزاینده، شما باید تولید واقعی را افزایش دهید." اما اگر ظرفیت اقتصاد همانا به طور کامل (یا تقریباً کامل) به کار گرفته شده باشد، آن گاه تقاضای اضافی تنها می تواند تورم را باشد.

اگر استدلال فوق را بپذیریم، نتایجی که در واقع می توان از نظریه پولی مدرن گرفت، با ادعاهای بزرگ طرفداران آن مطابقت ندارند. در یک اقتصاد با اشتغال کامل، مقدار منابع درآمدی که می توان به اتکای تفاوت ارزش پول و هزینه تولید آن حاصل کرد بسیار ناچیز خواهد بود و این مالیاتها و فروش اوراق قرضه خواهند بود که جنان که مرسوم است، تقریباً تمام هزینه های دولت را تأمین می کنند. البته این نکته در صورتی که بخش قابل توجهی از ظرفیت اقتصادی به کار گرفته نشده باشد، صادق نیست، اما هدف



سیاست باید به حداقل رساندن چنین دوره هائی باشد... خلاصه این که هزینه یک برنامه برای "تضمین اشتغال" باید جدی گرفته شود و نظریه پولی مدرن چنین نمی کند.

در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در داخل * گیومه) در معنای خاص آن، که در بخش ۱ این مقاله چنین تعریف شده است

1. تضمین اشتغال "ظرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می آورد: یک امکان همگانی" برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی.
2. دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران تحتانی در بازار کار را استخدام می کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی دهد.
3. تضمین اشتغال "نوعی اشتغال کامل "سست" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی که " چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی شود.
4. کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می دهند، اما نه کارهای مرسوم را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیتها را پیشنهاد می کنند که می تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیتهای جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد.

با اعتصاب و اعتراض و پیوستن به جنبش آزادیخواهانه سراسری مردم از آن حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

جان زندانیان سیاسی در خطر است، همه با هم متحدانه برای آزادی شان مبارزه کنیم



در حمایت و پیوستن به جنبش تردید نباید کرد!
صادق



تا وقتی که این حکومت با تشکیلات رنکارنگ سرکوبگرش هستند، وضع کارگر و کارمند و معلم و پرستار... بهتر از این که هست نخواهد شد. کارگر در قاموس و قوانین این حکومت حکم برده را دارد. پس ای برادر، خواهر کارگر و مزدبگیر وقت ات را در انتظار وعده‌های بدفرجام این حکومت تلف نکن. شما خودتان باید برای خلاصی از این فقر و بی حقوقی متحد و متشکل شوید. دو هفته است جنبش پرخروش و متکثری در این سرزمین توسط شمار زیادی از جوانان آزادیخواه و به تنگ آمده از بیداد و ستم بی عدالتی به راه افتاده است، اگر می خواهید از این وضعیت فلاکت بار رهایی پیدا کنید و زندگی بهتری داشته باشید راهی نزدیکتر و ممکن تر از اینکه به این جنبش بپیوندید و با اعتراض و اعتصاب از آن حمایت کنید، وجود ندارد.

دو هفته پیش ۴۰ هزار نفر از کارکنان شرکتی و پیمانی مخابرات که ماهیت کارشان مستمر است اما خودشان غیر رسمی و با قراردادهای موقت برای شرکت‌های واسطه‌ای کار می کنند برای چندمین بار خواستار تغییر قرارداد های کاری شان از شرکتی به قرارداد مستقیم با مخابرات شدند.

طی سالهای گذشته نیز آنان با انجام چند اعتصاب و اعتراض همین خواسته را مطرح کردند و گفتند اگر به خواسته شان رسیدگی نشود اعتراض خواهند کرد. البته تنها کارکنان مخابرات نیستند که خواهان برچیدن بساط شرکت‌های واسطه‌ای که بخشی از مزد آنان را می دزد و باعث استثمار مضاعف شان می شود می باشند. صدها هزار کارگر دیگر که در شرکت‌های مختلف صنعتی و خدماتی مشغول به کار هستند نیز سالهاست برای خلاص شدن از دست شرکت‌های واسطه‌ای در حال مبارزه هستند.

در تابستان سال گذشته اعتراض و اعتصاب بی سابقه‌ای در شرکت‌های پیمانکاری نفتی و پتروشیمی علیه دستمزدهای پائین و شرایط کاری دشوار و ناکافی بودن مرخصی... انجام گرفت و باعث دستپاچه شدن مقامات دولتی و صاحبان این شرکتها شد. آنان مجلس را جلو انداختند تا با دادن یک وعده سرخرمن مبنی



بر تهیه لایحه ساماندهی کارگران شرکتی و پیمانی و وعده استخدام کردن کارگران پیمانی و شرکتی از بزرگتر شدن اعتصاب جلوگیری و آن را فرو نشانند و موفق هم شدند.

حالا بیش از یک سال از آن ایام گذشته ولی خبری از تصویب طرح "ساماندهی" نیست. اما وقتی بوی اعتصاب به مشام مقامات دولتی و مجلس نشینان می رسد دوباره یکی از نمایندگان مجلس را به صحنه می آورند تا با دادن وعده تصویب جلوی اعتصاب کارگران شرکتی دلال نیروی کار را بگیرند. حالا نیز که زمزمه اعتصاب در میان کارگران این قبیل شرکتها شروع شده یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی و کارگری مجلس را به صحنه فرستاده اند تا با دادن وعده تصویب طرح تا پایان سال کارگران را از اعتصاب منصرف کنند. برای محکم کاری کسی را برای دادن وعده انتخاب کرده اند، که عضویت در کمیسیون کارگری مجلس را هم یدک می کشد. کمیسیونی که رل شریک دزد و رفیق قافله را به عهده دار و نبودش برای کارگر از بودنش بهتر است. از صحبت های این نماینده چنین بر می آید که طرح مذکور که در ابتدا قرار گذاشته بودند به سرعت در مجلس تصویب و بلافاصله آن را به اجرا بگذارند هنوز با گذشت حدود یک و نیم سال در کمیسیون مجلس تصویب نشده است. اینکه این آقا وعده داده که حتما تا پایان سال به تصویب کمیسیون خواهد رسید و برای بررسی به جلسه عمومی مجلس داده خواهد شد، چقدر زمان می برد تا در جلسه عمومی مجلس به بحث گذاشته شود و آیا تصویب خواهد شد یا نه معلوم نیست. از اول هم این طرح برای تصویب تهیه نشده و همانطور که گفته شد برای سردواندن صدها هزار کارگر بوده است.

طی ۳۰ سال گذشته حتا یک طرح که ذره ای فایده برای کارگر داشته باشد نه در مجلس و نه دولت تصویب نشده است. هرچه تصویب شده است علیه منافع و حقوق کارگر بوده و بی شرمی را به حدی رسانده اند که تعدادی از قوانین حمایتی و اجتماعی را که در قانون کار پیش از انقلاب وجود داشته را نیز هم از کارگر با زور و قلدری ز کارگر پس گرفته اند. با این سابقه ننگین ضد کارگری چطور می شود از مجلسی که نمایندگان اش همگی دزد و اختلاسگر و با حمایت مالی صاحبان شرکتها واسطه ای نماینده شده اند می شود متوقع بود که قانونی به نفع کارگران و علیه ولی نعمتان خودشان تصویب کنند؟ مگر همین جماعت و سلف پیشین شان نبودند، که ریشه قوانین حمایتی را با کمک همین تشکلهای حکومتی امسال کمیسیون کارگری مجلس از بیخ و بن درآوردند؟

تا وقتی که این حکومت با تشکیلات رنگارنگ سرکوبگرش هستند، وضع کارگر و کارمند و معلم و پرستار... بهتر از این که هست نخواهد شد. کارگر در قاموس و قوانین این حکومت حکم برده را دارد. پس ای برادر، خواهر کارگر و مزدبگیر وقت ات را در انتظار وعده های بدفرجام این حکومت تلف نکن. شما خودتان باید برای خلاصی از این فقر و بی حقوقی متحد و متشکل شوید. دو هفته است جنبش پرخروش و متکثری در این سرزمین توسط شمار زیادی از جوانان آزادیخواه و به تنگ آمده از بیداد و ستم بی عدالتی به راه افتاده است، اگر می خواهید از این وضعیت فلاکت بار رهایی پیدا کنید و زندگی بهتری داشته باشید راهی نزدیکتر و ممکن تر از اینکه به این جنبش بپیوندید و با اعتراض و اعتصاب از آن حمایت کنید، وجود ندارد. شما در سال گذشته ۶ هزار اعتصاب و اعتراض کردید ولی به نتیجه مطلوب نرسیدید. اما حالا اگر اعتصاب و اعتراض کنید و از جنبش موجود حمایت کنید رژیم مجبور می شود به خواسته های شما تن در دهد چون یک جنبش اجتماعی وسیع از شما و مطالبات تان حمایت خواهد کرد. در جنبش شرکت کنید، مطالبات تان را مطرح کنید و برای آنها در کنار بقیه شرکت کنندگان مبارزه کنید. نباید اجازه داد جنبش را سرکوب کند

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی

مبارک باد همبستگی و اتحاد نیروهای شرکت کننده در جنبش سراسری



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

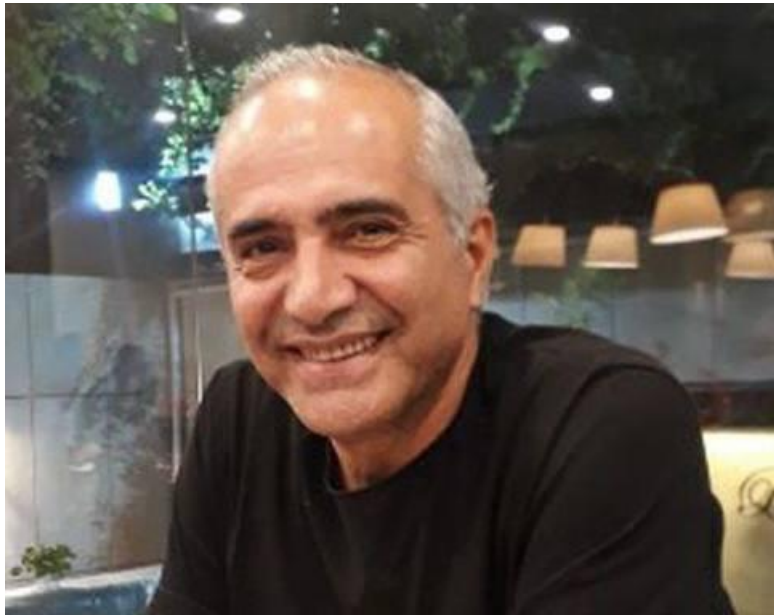
بازداشت داود رضوی و پنج معلم دیگر در آستانه روز جهانی معلم، آغاز محاکمه رسول بدایقی همبستگی و اعتصاب معلمان و دانش آموزان با دانشجویان و جنبش سراسری آزادی خواهان و تبیض ستیزانه مردم





رامین صفرنیا, وکیل دادگستری @... ۵۰ سال
جلسه رسیدگی به پرونده جدید موکلم
#رسول_بدای در تاریخ ۱۴۰۱/۷/۱۸ در شعبه
۲۶ دادگاه انقلاب تهران برگزار خواهد شد.
شایان ذکر است دادنامه پرونده قبلی در دیوان
عالی کشور نقض گردید و به شعبه هم عرض
ارجاع داده شد. در حال حاضر آقای بدای در
بند چهارم زندان اوین در بازداشت هستند.





***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>